

مفاهیم فضایی

مجموعه کتاب های آموزشی کفشدوزک

تقویت مهارت های اساسی

کودکان ۴ تا ۶ سال

مؤلفین:
دکتر علی سعیدی
محمد مهدی بامشاد



گروه آموزشی سلام

www.salampub.com



موش کوچولوهای بازیگوش **روی** سبزه ها و در **کنار** بوته ها قدم می زدند. چشمشان به گنجشکی افتاد که آن **بالا روی** دیوار نشسته بود. از دیوار **بالا** رفتند و در **کنار** او نشستند. خورشید خانم که تازه از **پشت** ابرها بیرون آمده بود، آن ها را دید و با لبخندی گفت: «آفرین بر شما دوستان خوب!»

والدین یا مربیان روی کلمات مشخص شده تأکید ورزند.



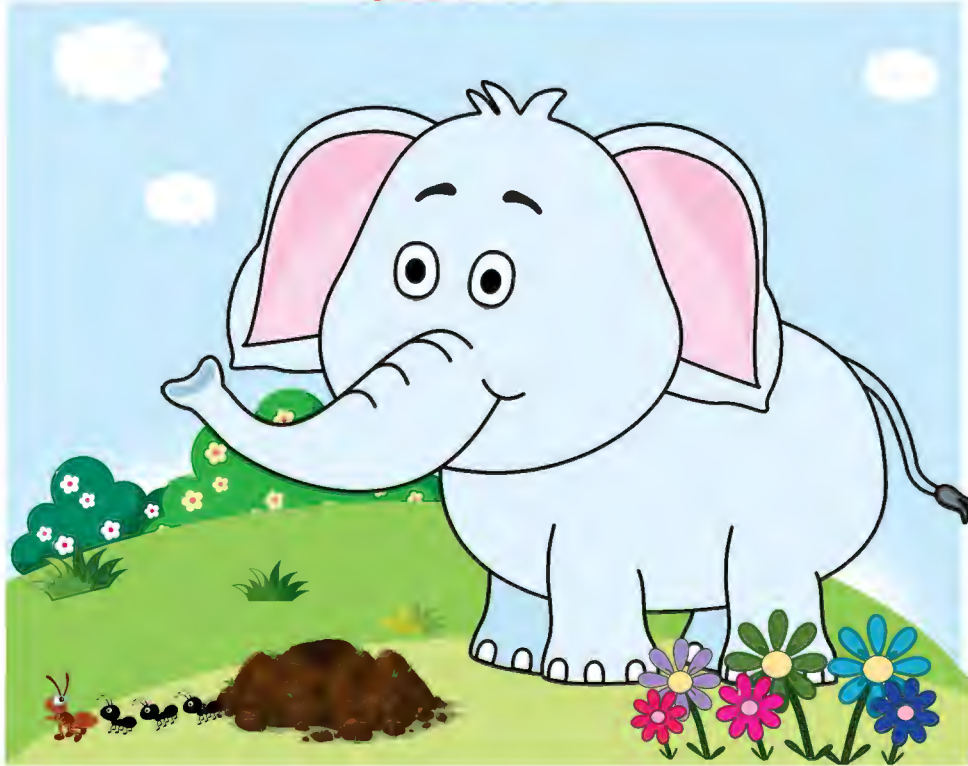
موش روی میز را علامت بزن و موش زیر میز را نشان بده.



کدام خورشید جلو ابر و کدام پشت ابر است؟



مفاهیم «رو- بالا»، «زیر- پایین» همچنین «پشت و کنار» معنای متفاوتی با هم دارند و نباید آن ها را به جای هم به کار برد.



مامان مورچه با بچه هایش **داخل** لانه اش بود که ناگهان صدای گرومپ، گرومپ را شنید. او فهمید که یک حیوان بزرگی به لانه اش **نزدیک** می شود. از ترس خراب شدن لانه اش دست بچه هایش را گرفت و از لانه **خارج** شدند.

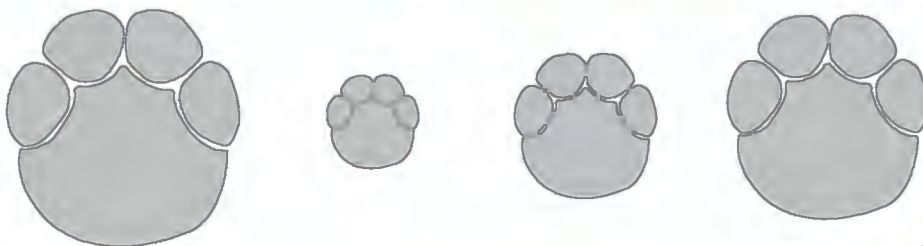
آقا فیله با پاهای **پهن** و **سنگینش** از **روی** لانه ی آن هارد و آن را خراب کرد. بچه مورچه ها از این که مادرشان آن ها را نجات داده بود، خوشحال شدند. دست زدند و با هم خواندند: «آفرین، صدآفرین، مامان خوب نازنین»



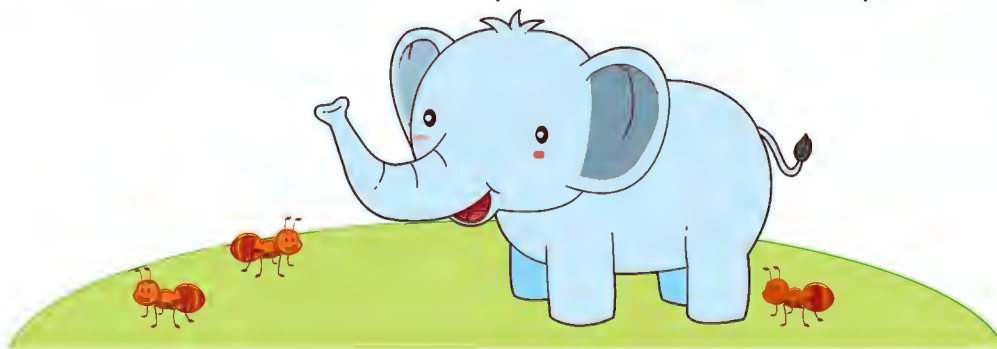
چند مورچه داخل لانه و چند مورچه خارج لانه هستند؟



کدام رد پا از همه پهن تر است؟



کدام مورچه به فیل نزدیک تر است و کدام دورتر؟



سه قطره باران



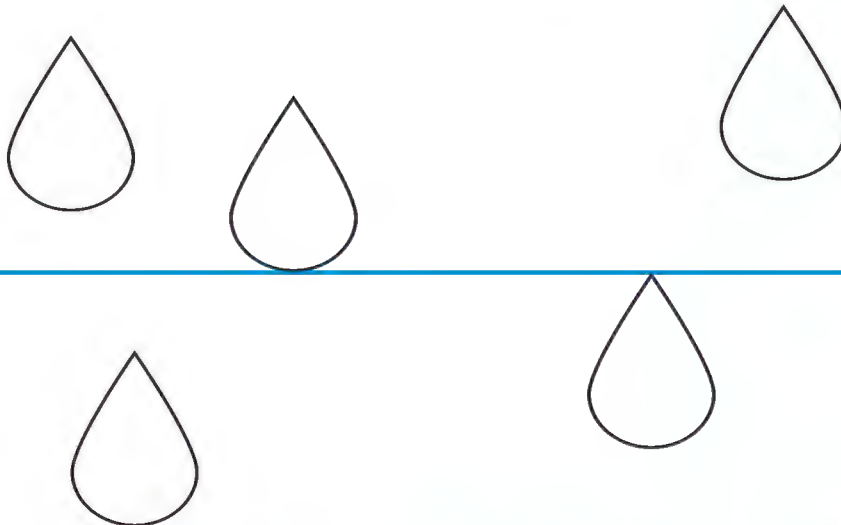
مفاهیم فضایی



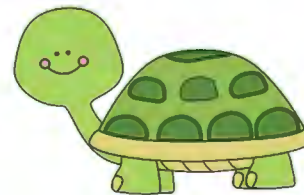
قارقاری روی شاخه درخت نشسته بود و با خرگوشک و لاک پشت حرف می زد. یک باره دو تا ابر تیره پیدا شد. ابرها به هم رسیدند و صدایی شنیده شد. سه قطره باران زیبا از آسمان چکید. اولی **وسط** خرگوشک و لاک پشت افتاد. دومی **کنار** بوته گل سرخ چکید. سومین قطره ی باران هم چکید **روی** نوک قارقاری! قارقاری که حسابی تشنه بود، قطره را خورد و گفت: «ممنون ابر سیاه!»



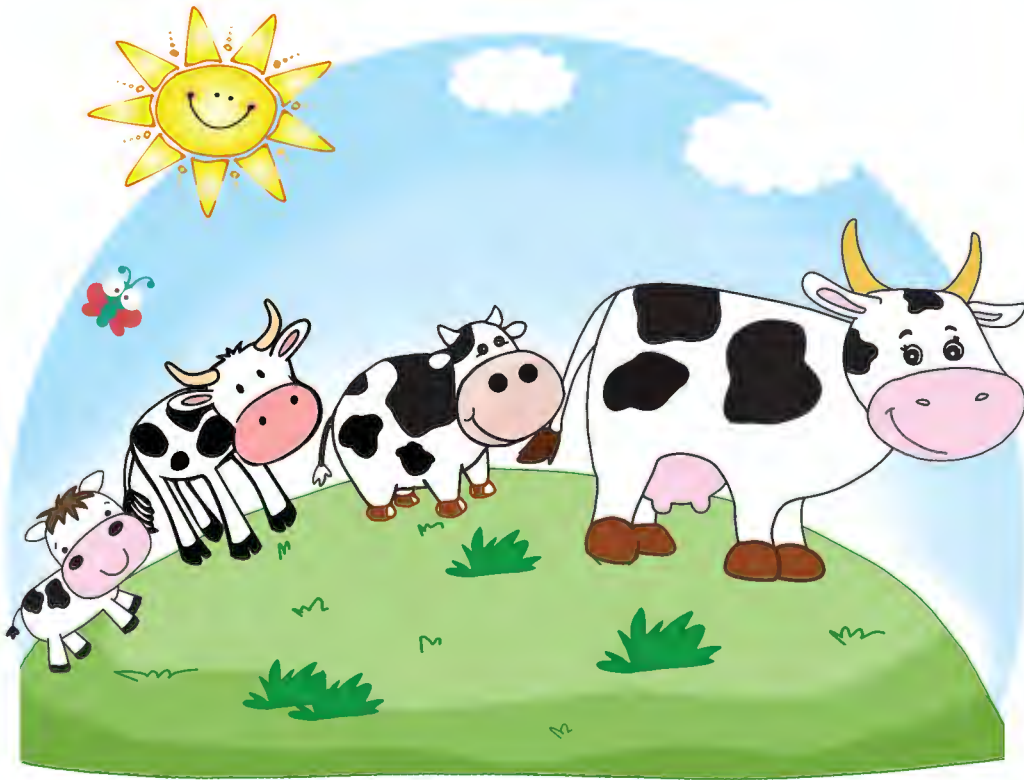
قطره روی خط را آبی. زیر خط را سبز و بالای خط را زرد رنگ کن.



کنار لاک پشت یک قطره بکش که بین لاک پشت و خرگوش باشد.



همان طور که قبلا گفته شد، مفاهیم رو و بالا- زیر و پایین با هم فرق می کند. مثال:
قطره ی روی خط باید بر خط مماس باشد و قطره بالای خط باید با فاصله، بالای خط باشد.



خانم گاو سه گوساله داشت. اولی تپل و بزرگ. دومی قد بلند و لاغر و سومی قد کوتاه و بازیگوش. این سه گوساله هر روز پشت سر مامانشان به وسط جنگل می رفتند و با خوردن علف های خوش مزه سیر می شدند و قبل از تاریک شدن هوا به طویله شان برمی گشتند.